

تبیین اندیشه آرمان‌شهری با رویکرد شهر اسلامی در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

حمیدرضا صارمی^۱

شیماکشاورزی^۲

چکیده

طی قرون متمادی، مجموعه اوصاف آرمانی برای رسیدن به یک اجتماع مطلوب، نظریه آرمان‌شهر را در نگاه اندیشمندان و جوامع مختلف شکل داده است. در جهان اسلام، فلاسفه بسیاری ویژگی‌های مدینه فاضله را بررسی و با توجه به اختلاف مبانی، آرمان‌های متفاوتی با سایر جوامع برای مدینه فاضله اسلامی تعریف کرده‌اند. آیت‌الله جوادی آملی یکی از فقهای متأخری است که با تأکید بر عقلانیت، به تحلیل ماهیت آرمان‌شهر پرداخته است. تفاوت آیت‌الله جوادی با سایر اندیشمندان در توجه او به هدف، مبانی و چگونگی استخراج آن‌ها از منابع آرمان‌شهر است. تفاوت اندیشه دینی و غیردینی، در چگونگی نگاه و به‌کارگیری این سه عنصر است. تحقیقات نشان می‌دهد مبنای ذی‌حقی انسان برای زیستن در جامعه آرمانی، کرامت او است. منشأ کرامت از دریچه دین، خداوند و با نگاه غیردینی، فطرت است. در رویکرد غیردینی، منبع اصلی برای دستیابی به مبانی، سلیقه مردم و عرف است و در رویکرد دینی آنچه محوریت می‌یابد، صلاح‌دید دانای مطلق یعنی خداوند است. تفاوت در منبع سبب می‌شود هدف تشکیل آرمان‌شهر نیز متفاوت باشد. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی، اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی را بررسی و با تحلیل آثار ایشان، ارتباط بین عناصر نامبرده و اصول آرمان‌شهر اسلامی استخراج شد؛ به‌نحوی که بیشترین پیوستگی و همخوانی را با آرای این فقیه بزرگوار داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آرمان‌شهر اسلامی، آیت‌الله جوادی آملی، مبانی، منابع، هدف.

۱. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

saremi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Shima.keshavarzi@modares.ac.ir

مقدمه

چگونگی شمایل شهر به‌عنوان زیستگاه انسان، متأثر از عوامل بسیاری است که اغلب آن‌ها را نحوه زیست شهروندان شکل می‌دهد. از همین‌رو در کنار عوامل طبیعی، فرهنگ مردم، اقتصاد، صنعت و حقوق شهروندی همواره مؤثر بر شکل شهر و البته در مرحله دوم متأثر از فضای شهری است. آیت‌الله جوادی آملی، در معرفی ابعاد رشد در مدینه فاضله، این چهار رکن را به‌عنوان اصلی‌ترین ارکان در توسعه نظام اسلامی مطرح می‌کند (عبدیانی، ۱۳۸۸: ۷۰). بدون تردید عاملی که هم به‌طور مستقل بر فضای شهر تأثیر گذاشته است و هم از طریق تأثیر بر فرهنگ، اقتصاد و تبیین حقوق شهروندان بر فضای شهری مؤثر قلمداد می‌شود، نوع نگرش شهروندان به جهان اطراف و توجه به چرایی زیستن است. این امر بدیهی اهمیت جایگاه امور دینی در آرمان‌شهر را روشن می‌سازد. در جامعه دینی تعریف انسان با جامعه غیردینی متفاوت است. تعریف متفاوت به تفاوت در منشأ و هدف زندگی نوع بشر منجر می‌شود و به همین دلیل نمی‌توان شهر را به‌عنوان زمینه رشد افراد در جوامع دینی و غیردینی، به یک شکل، تأسیس و اداره کرد. این تفاوت سبب می‌شود در نظرگاه دینی حتی مفاهیم جزئی‌تر، متفاوت از نگاه غیردینی باشند؛ برای مثال، توسعه و پیشرفت تمدن یکی از اهداف اصلی شهرنشینی است و در دیدگاه دینی عبارت است از: «فرایندی که متضمن رشد مداوم در ابزار، روابط مادی، معنوی و بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی است و انسان را به کمال می‌رساند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۱۳)؛ درحالی‌که در نظر اندیشمندان غربی توسعه تنها یک روند تاریخی و اجتماعی است که هدف آن بهبود شرایط زندگی شهروندان، صرف‌نظر از اخلاقیات و معنویات جامعه است (Fox & Goodfellow, 2016: 7).

برای دستیابی به مختصات آرمان‌شهر اسلامی، باید مفاهیم منبع، مبنا و هدف را شناسایی و ماهیت و نقش آن‌ها را در تشکیل آرمان‌شهر مطلوب جامعه اسلامی تعیین کرد. تمیز عناصر سه‌گانه فوق در بسیاری از تحلیل‌های آیت‌الله جوادی آملی برای تبیین مسائلی از قبیل حقوق بشر دیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۳۵). مبنای وجود آرمان‌شهر پاسخ به این پرسش است که «چرا وجود آرمان‌شهر و تشکیل آن لازم است». به عبارت دیگر، چرا انسان مستحق زیستن در شهری آرمانی است؟ پاسخ به این پرسش، ریشه در منابع آرمان‌شهر دارد و اساساً

اختلاف بین جامعه دینی و غیردینی نیز در تفاوت منابع آن دو آشکار می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

مهم‌ترین منبع برای دریافت اصول آرمان‌شهر اسلامی، قرآن به‌عنوان کلام دانای مطلق است؛ درحالی‌که منبع در جوامع غربی، نظر متخصصانی است که بر پایه عقل بشری ارائه شده و به آزمون آرای عمومی گذارده شده است. تفاوت منبع و مبنا در نگاه به آرمان‌شهر در جوامع دینی و غیردینی، موجب اختلاف آن‌ها در اهدافی است که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. با بررسی کتاب‌های آیت‌الله جوادی آملی، می‌توان به خوبی تفاوت بین منبع، مبنا و هدف را درک کرد. البته ایشان به‌عنوان یک فیلسوف دینی، آرمان‌شهر را بیشتر از منظر معنوی تحلیل کرده و کمتر به بررسی نشانه‌ها و ملزومات شهرسازی پرداخته‌اند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش به دنبال استنباط اصول شهرسازی در آرمان‌شهر، از نظرات آیت‌الله جوادی آملی خواهیم بود. طبیعی است که استنباط گفته‌شده در بخش فضای کالبدی، با توجه به شخصی بودن تفسیرهای صورت‌گرفته، با چالش و حتی خطا روبرو خواهد بود؛ هرچند سعی خواهد شد تا اصول مربوط به امانت علمی رعایت شود. برای رسیدن به این هدف باید به پرسش‌های زیر پاسخ داد:

الف) با توجه به آثار آیت‌الله جوادی آملی نکات تمیز منبع، مبنا و هدف در شهرسازی اسلامی چه بوده و چگونه می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد؟

ب) مبنای ذی‌حقی شهروندان برای تجربه زیستن در آرمان‌شهر مطابق با آرای آیت‌الله جوادی آملی چیست و چه اصولی را می‌توان برای تشکیل آرمان‌شهر از مبنا و منابع مورد نظر ایشان استنباط کرد؟

پ) طبق نظرات آیت‌الله جوادی آملی، هدف از فراهم‌آوردن محیط زندگی مناسب در جوامع اسلامی چیست و با توجه به نظرات ایشان، تفاوت هدف از تأسیس آرمان‌شهر در جوامع دینی و غیردینی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

پیشینه پژوهش

مقالات بسیاری درباره آرمان‌شهر اسلامی و کیفیت تأسیس آن به چاپ رسیده است. در این میان، مقالاتی که نظرات آیت‌الله جوادی آملی را درباره مدینه فاضله بررسی کرده‌اند، کم نیستند. از جمله این مقالات می‌توان به مقاله «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی» (۱۳۸۸) اثر نرجس عبدیانی اشاره کرد. علی‌رغم اینکه مطالب بسیار درباره این موضوع نوشته شده است، در مورد عناصر فکری آیت‌الله جوادی آملی در خصوص مدینه فاضله تحقیق منسجمی صورت نگرفته است. این نقصان در حالی است که نظام فکری این مؤلف بزرگ، همواره بر منطق و چارچوب خاصی استوار بوده است. از مهم‌ترین کتاب‌های ایشان که می‌تواند چراغ راه نگارندگان در تشخیص مختصات آرمان‌شهر اسلامی باشد، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی* (۱۳۹۱)، *تفسیر انسان به انسان* (۱۳۸۴) و *فلسفه حقوق بشر* (۱۳۸۹) است. نویسنده در این کتاب‌ها برای تشریح و دستیابی به اهداف خود، جایگاه منبع و مبنا را در حقوق انسان‌ها به خوبی مشخص کرده است.

همان‌طور که گفته شد، این عالم علوم عقلی و نقلی، به‌طور مستقیم و صریح، جز در برخی سخنرانی‌ها، به‌صورت جزئی به عناصر و اوصاف آرمان‌شهر اسلامی نپرداخته است. پژوهش حاضر با مطالعه کتاب‌های آیت‌الله جوادی آملی و مقالاتی که در مورد اندیشه این فقیه بزرگوار منتشر شده است، عناصر اصلی آرمان‌شهر اسلامی را استنباط می‌کند. مطالعه آثار سایر فلاسفه اسلامی نشان می‌دهد آیت‌الله جوادی آملی در استخدام برخی عبارات و اصطلاحات درباره آرمان‌شهر به تعبیر پیشین در این زمینه اشاره داشته است؛ برای مثال، تشبیه آرمان‌شهر به بدن و تشبیه حکم به مغز که پیش از این در کتاب *آراء أهل المدينة الفاضلة و مضاداتها* تألیف ابونصر فارابی به‌کار رفته است (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۱۷).

برخلاف تلاش اندکی که برای تبیین عناصر تشکیل آرمان‌شهر به‌طور جزئی صورت گرفته است، آثار بسیاری در جهت تعریف آرمان‌شهر، مدینه فاضله یا یوتوپیا نوشته شده است. هرچند موضوع پژوهش حاضر دستیابی به تعریف شهرسازی اسلامی نیست، مرور برخی تعاریف ارائه‌شده می‌تواند مشابهت و امتیازات این نوشتار را مشخص سازد. تعاریف ارائه‌شده به‌منظور ایضاح مفهوم آرمان‌شهر، در برخی موارد حتی حاوی تضادهای چشمگیر و جدی است. برای

مثال بسته به نگاه محقق، برخی از آرمان‌شهرها به دنبال رسیدن به رستگاری، براساس پرهیزگاری و برخی دیگر بر مبنای لذت‌جویی شکل می‌گیرند (مطلبی، نادری، ۱۳۸۸: ۱۲۸). برخی دیگر به ایجادکنندگان آرمان‌شهرها به‌عنوان مبنای تمییز آن‌ها اشاره کرده‌اند. ایشان سازنده آرمان‌شهر افلاطونی را فلاسفه و حکما، آرمان‌شهر مارکسیستی را پرولتاریا و آرمان‌شهر اسلامی را مستضعفان صالح و مؤمن می‌دانند (سروش، ۱۳۹۲: ۷۷). از این‌رو برای تعریف آرمان‌شهر، باید به زاویه دید تعریف‌کننده توجه داشت. به همین دلیل آرمان‌شهر در مکاتب فمینیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم، اسلام، پسامدرنیسم، فلسفه یونان و... دارای عناصر متناقض آشکاری است (پاپلی یزدی، رجی سناجردی، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۶۰). نمونه بارز تعریف یوتوپیا در غرب، تعریف توماس مور از این اصطلاح است. در آرمان‌شهر وی، زبان، قانون و عرف مشترک حاکم است و مالکیت خصوصی وجود ندارد (مور، ۱۳۷۳: ۲۱-۲۷). دقت در عناصر این تعریف نشان از شباهت یوتوپای مور به یوتوپای سوسیالیستی دارد.

بنا بر تعاریف و پیشینه بحث مشخص می‌شود که نظرات درباره خصوصیات و اوصاف آرمان‌شهر، به نگاه اندیشمند بستگی دارد. این اختلاف در تعریف آرمان‌شهر اسلامی نیز دیده می‌شود. برای رفع ابهامات و تضادهای مربوط به ماهیت آرمان‌شهر اسلامی، مهم‌ترین ارکان تشکیل شهر آرمانی در سه قالب مینا، منبع و هدف بررسی می‌شود.

روش تحقیق

در این نوشتار، روش‌های تحلیل متن و محتوای کیفی و فراتحلیل با هم تلفیق شده و در راستای بررسی و تبیین نظرات اندیشمندان از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نگارندگان در راستای تأمین حداکثری نظرات آیت‌الله جوادی آملی به پانزده کتاب از ایشان مراجعه کرده‌اند. هرچند پژوهش حاضر ادعای تطبیق آرا با سایر اندیشمندان را ندارد، آرای سایر متفکران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان را توصیف و تحلیل می‌کند. از آنجا که آیت‌الله در هیچ یک از آثار خود به عناصر و اصول آرمان‌شهر اسلامی تصریح نکرده‌اند، برای کشف منبع، مینا و هدف از نگاه ایشان، از روش فراتحلیل استفاده شد. در این روش می‌توان نتایج پژوهش‌ها را با یکدیگر

ترکیب و روابط تازه‌ای بین پدیده‌ها کشف کرد. در ادامه سعی خواهد شد تا با ترکیب آرای آیت‌الله جوادی آملی، به ساختار کلی‌ای از اندیشه‌های ایشان در مورد آرمان‌شهر دست یابیم.

یافته‌های تحقیق

به دلیل اهمیت تفاوت منبع، مبنا و هدف در تشکیل آرمان‌شهر، مباحث و یافته‌های تحقیق حاضر، به سه بخش با همین عناوین تقسیم می‌شود. بررسی و مقایسه دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی با فلاسفه شهرسازی دنیای غرب نشان می‌دهد بسیاری از اصول آرمان‌شهر دینی با آرمان‌شهر غیردینی، در ظاهر مشابه هستند و در موارد اختلاف، چه از منظر عملی و چه نظری، اصول آرمان‌شهر دینی که مستنبط از علم لایزال الهی است، بر آرمان‌شهر غیردینی ارجحیت دارد.

۱. منبع و تأثیر آن بر آرمان‌شهر

منبع یک پدیده بعضاً مربوط به هستی‌شناسی آن و گاهی مرتبط با معرفت‌شناسی آن پدیده است. از نگاه آیت‌الله جوادی آملی در منبع هستی‌شناسی، بحث از علت و چگونگی ایجاد است و در منبع معرفت‌شناسی به دلیل وجود امر توجه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). در ادامه خواهد آمد که منبع معرفت‌شناسی، همان مبنا و وجه پیدایش پدیده است. پرسش مهم در این قسمت آن است که چه چیزی منبع هستی‌شناسی آرمان‌شهر قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر ایجاد و تکوین آرمان‌شهر، ریشه در چه چیزی دارد؟ بررسی نظریات مختلف آرمان‌شهر، بیانگر اختلاف آرا در منبع تکوین آن است. از نظر برخی اندیشمندان نظیر رابرت نوزیک، دولت‌های مبتنی بر رأی مردم، متصدی تشکیل آرمان‌شهر هستند. او برای پررنگ‌تر کردن نقش مردم در ایجاد آرمان‌شهر، نظریه «دولت کمینه» را در برابر «دولت حداکثری» مطرح می‌کند (نوزیک، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۴). به این ترتیب، منبع آرمان‌شهر در نگاه وی، مردم و خواست آن‌ها محسوب می‌شود. در مقابل، هابز نقش دولت‌ها را در تشکیل آرمان‌شهر پررنگ‌تر نشان می‌دهد و آزادی عمل بیشتری برای دولت‌ها در برابر مردم در نظر گرفته است (هابز، ۱۳۹۷: ۶۱ و ۱۸۹). فلاسفه‌ای نظیر نیچه اراده مسلط را اراده‌ای معطوف به قدرت و قدرت (دولت) را مالک مایشاء کشور می‌دانند (نیچه، ۱۳۹۹: ۷۲). بنا بر این دیدگاه،

قدرت تعیین‌کننده کم و کیف آرمان‌شهر خواهد بود. در این بین، دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که برای ایجاد آرمان‌شهر، نبود دولت را ضروری دانسته‌اند (وودکاک، ۱۳۹۶: ۸). در مقابل منابع گفته‌شده، در نظر آیت‌الله جوادی آملی، منبع الهام مدینه فاضله با واسطه یا بلاواسطه آفریدگار است. ایشان معتقدند «انسان مدینه فاضله است و خداوند متعال هرچه در یک کشور عقل و عدل باید وجود داشته باشد، در درون انسان قرار داده است» (جوادی آملی، پیام به همایش آزادی انسان در اسلام، ۱۳۹۰)^۱. بررسی آثار آیت‌الله جوادی نشان می‌دهد سه منبع کتاب، سنت و عقل، منابع الهام آرمان‌شهر در فلسفه اسلامی هستند. هرکدام از این منابع در مدیریت و قانون‌گذاری مؤثر هستند که در قسمت دوم این بخش بررسی خواهد شد.

۱-۱. منابع آرمان‌شهر

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، انسان فی‌نفسه مدینه فاضله است. چنین برداشتی از انسان را می‌توان در رویکردهای اگزستانسیالیستی سارتر و ارجاع همه چیز به آگاهی انسان مشاهده کرد (سارتر، ۱۳۹۷: ۲۷). در نگاه آیت‌الله جوادی آملی، روح انسان مقام خلیفه‌اللهی او و جسم وی مدینه فاضله است. ایشان در توضیح این مسئله می‌فرمایند:

«همان‌گونه که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می‌سازد، ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح است. تأمین مدینه فاضله نیز برای پرورش انسان‌هایی است که در جهت خلیفه‌الله گشتن گام برمی‌دارند و اصالت در بین دو رکن یادشده، همانا از آن خلافت الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳).

راه‌های دستیابی به منظور خداوند و کشف اراده او از نظر فقهای امامیه به چهار منبع کتاب، سنت، اجماع و عقل محدود است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲: ۶۱/۲). آیت‌الله جوادی آملی اما با نگاهی دقیق اجماع را از منابع فقهی خارج می‌کند و این منبع مشهور را فاقد نقش موضوعی می‌داند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«... اجماع هم اعتبارش از جهت کاشفیت است پیش ما امامیه؛ وگرنه خود اجماع که ذاتاً حجت نیست. این را قبلاً هم ملاحظه فرمودید منابع اصول کتاب و سنت و عقل و اجماع

1. <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NDYxOA%3d%3d-4oz9uufs9yE%3d>.

نیست. منابع اصول کتاب است و سنت است و عقل...» (جوادی آملی، درس خارج فقه، ۱۳۹۲/۲/۳۰).

در بحث حاضر، با توجه به زمینه تحقیق، یعنی مسائل مربوط به آرمان‌شهر و عدم حجیت اجماع از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، از پرداختن به اجماع خودداری و تنها منابع سه‌گانه کتاب، سنت و عقل را بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۱. قرآن

مطابق با آیه نخست سوره ابراهیم، هدف از نزول قرآن، اعطای چراغ راه بشر برای طی مسیر زندگی و رسیدن به تعالی مدنظر خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶). استفاده از قرآن از آن‌رو اهمیت دارد که مفاد آن از سوی دانا و توانای مطلق که یعنی آفریدگار، بر انسان نازل شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۵۰). مطالعه آیات موجود درباره شهرسازی، ما را به وجود دو دسته از آیات مربوط به وضعیت کالبدی و اجتماعی شهر رهنمون می‌سازد که از بارزترین این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) فضای سبز (کالبدی): آیه ۱۵ سوره سبأ درباره اهمیت فضای سبز در شهرسازی است. ب) مسکن (کالبدی): آیه ۸۰ سوره نحل به مسئله مهم مسکن در شهر مطلوب اشاره می‌کند. با توجه به این آیه، مسکن در آرمان‌شهر اسلامی نباید صرفاً مکانی به‌عنوان منزل تلقی شود، بلکه باید مایه آرامش صاحب آن باشد. پ) امنیت (اجتماعی): آیه ۳۵ سوره ابراهیم^۲ به امنیت اقتصادی نیز نظر دارد و در آیه ۱۱۲ سوره نحل به این مهم اشاره شده است. ت) عدالت (اجتماعی): مطابق با آیه ۲۵ سوره حدید، هدف نزول کتاب و ارسال رسول، تأمین عدالت در جامعه اسلامی است^۳. از نظر آیت‌الله جوادی آملی «انسانی که با یاد و نام خداوند قلب و قالب

1. <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/javadi/feqh/91/920230>

۲. امنیت در آیات دیگر قرآن کریم، از جمله آیات ۳ سوره تین و ۶۷ سوره عنکبوت تکرار شده است.

۳. البته برای تبیین هدف انبیاء از انجام رسالت، موارد دیگری نیز قابل طرح است؛ برای مثال، آیت‌الله جوادی آملی معتقدند «گرچه تعلیم احکام و تبلیغ پیام‌های خداوندی جزء وظایف رسمی دانشمندان دین است، اما سرلوحه رسالت آنان ترساندن مردم از خداوند عزوجل خواهد بود... (خداوند) مقصود نهائی آن (ارسال پیامبران) را انداز مردم می‌داند» (جوادی آملی، بی تا: ۱۰).

خود را پر می‌کند، در کردار و رفتار از عدالت به معنای وسیع آن که همان عدالت کبری است، برخوردار خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴۴). راز این گزاره، در بحث مبنای آرمان‌شهر و ذات مشترک افراد روشن خواهد شد. ث) آزادی (اجتماعی): آیه ۳ سوره انسان، آیه ۹۹ سوره یونس و آیه ۲۵۶ سوره بقره به مسئله آزادی اشاره می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی تفاوت آزادی در اسلام و سایر مکاتب را چنین می‌داند:

«... آزادی از دیدگاه اسلام یعنی رهاشدن از بردگی و اطاعت غیرخدا. اما صاحبان و پیروان مکاتب حقوقی دیگر معتقدند آزادی انسان به معنای توان همه‌جانبه او در انتخاب هر چیز، از جمله بردگی غیرخداست» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

۱-۱-۲. سنت

سنت دومین منبع فقه شیعه برای استنباط احکام است. فقهای امامیه سنت را اعم از فعل، قول و تقریر معصومین می‌دانند (مظفر، ۱۴۳۰ ق: ۶۴/۳). منظور از تقریر، سکوت در مقام تأیید اتفاق‌پیش‌آمده است. در نگاه اهل‌بیت نیز محیط‌زیست، عدالت، آزادی، مسکن و امنیت از مهم‌ترین مسائل در حوزه ایجاد یک شهر مطلوب است (آزاددانا، ۱۳۹۱: ۳۷-۷۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۰۱-۳۸۶). ویژگی‌های گفته‌شده در قسمت مربوط به قرآن بررسی شد و با وجود این، می‌توان این امور را در سنت مفروض دانست. در ادامه به بحث عقل به‌عنوان منبع آرمان‌شهر از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازیم.

۱-۱-۳. عقل

عقل پس از کتاب و سنت، می‌توان سومین منبع مهم استنباط احکام از شرع قلمداد کرد (اراکی، ۱۴۳۵ ق: ۷۵/۱). پرسش آن است که آیا عقل را باید منبع مستقلی در عرض کتاب و سنت به حساب آورد که در این صورت تعارض عقل با منابع فوق ممکن می‌شود یا آنکه باید عقل را در طول آن‌ها تفسیر کرد. در نگاه بسیاری از اندیشمندان شیعه عقل نمی‌تواند با نقل (روایات و کتاب) متعارض باشد؛ بنابراین تنها عقلی برای مسلمانان حجیت دارد که کاشف از مسائل نقلی باشد. این یعنی عقل ابزار استنباط است؛ نه منبع آن (قافی، شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۳۱/۲). آیت‌الله

جوادی آملی با نگاهی متفاوت عقل را در عرض نقل، برای فقیه منبع محسوب می‌کند. این نگاه موجب تعارض بین نقل و عقل می‌شود. در ابتدا باید تأکید کرد که:

«منظور از عقل، همانا علم یا طمأنینه علمی است که از برهان تجربی محض یا تجربیدی صرف یا تلفیقی از تجربی و تجربیدی صرف، حاصل شده باشد. در قبال نقل که همانا مدلول معتبر متون دینی از جمله قرآن و روایت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶).

از این رو عقل با بنای عقلا و فعل افراد متعارف نیز متفاوت است. عقل از سنخ علم است و بنای عقلا از سنخ عمل. طبیعی است که گاهی بنای عقلا به اشتباه بر امری نادرست بنا شود، اما عقل به معنای ابزاری علمی و منطقی در زمان خود معتبر است. آیت‌الله جوادی آملی در بیان تعارض بین عقل و نقل، تعارض را منحصر به این دو امر دانسته و معتقدند عقل می‌تواند با نقل در تعارض باشد، اما با دین هرگز. ایشان می‌فرماید:

«عقل می‌تواند با نقل معارض باشد، اما تعارض عقل و دین سخن ناصوابی است؛ زیرا عقل در درون هندسه معرفت دینی جای گرفته و منبع معرفتی آن قلمداد شده است. تعارض عقل و نقل به راه‌های مختلفی قابل حل است. در مواردی که عقل و نقل متباین هستند، لازم است به یقین اخذ شود؛ مثلاً روایت یا آیه‌ای را که با مطلب یقینی و برهانی عقل ناسازگار است از ظاهر خویش منصرف می‌شود و آن را به معنایی موافق با دلیل عقلی تأویل می‌برند و اگر محملی برای آن نبود، روایت مخالف با حکم صریح عقل را به تأویل می‌برند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۴).

به این ترتیب، از نظر آیت‌الله جوادی آملی، عقل می‌تواند منبعی برای تشریح احکام لازم برای تشکیل آرمان‌شهر باشد.

۱. ۲. تأثیر منبع بر آرمان‌شهر

احکام برآمده از قرآن، سنت و عقل، تنها برآیند نظری ندارند و در مدیریت شهری و البته قانون‌گذاری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در ادامه به تفکیک، با پشتوانه منابع گفته شده، به جنبه‌های مدیریت و تقنین در آرمان‌شهر خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱. مدیریت آرمان‌شهر

پیچیدگی‌های مدیریتی در جامعه اسلامی به جهت وجود مفروضات الهی و تلفیق امر عرفی و دینی بیشتر به چشم می‌خورد؛ سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان یک حکومت غیرمعصوم را مالک همه زمین‌های یک کشور دانست. یا چگونه می‌توان برای مصلحت جامعه مال موقوفه را فروخت یا مسجدی را به جهت اجرای طرح‌های عمرانی ویران کرد؟ مدیر آرمان‌شهر تا چه اندازه بر زندگی شهروندان تسلط دارد؟ پاسخ به هر کدام از این سؤالات، سبب می‌شود تا رویکردی اتخاذ شود که می‌تواند حتی در فضای کالبدی شهر مؤثر باشد. اگر شهروندان را سربازان مدیر جامعه اسلامی قلمداد کنیم، طبیعی است شهری مانند پادگان ایجاد شود و اگر حاکم جامعه را فردی نظیر سایر شهروندان و در معرض خطا ببنداریم، جامعه از آزادی‌های اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد شد.

۱-۱-۲-۱. تعیین مدیر آرمان‌شهر

در نگاه فقهای امامیه سه رویکرد برای زمامداری مطرح است: نخست آنکه رهبر جامعه اساساً انتخابی است و شیوه انتخاب آن به مقتضای زمان، متنوع است. دوم اینکه رهبری را خداوند منصوب می‌کند و جامعه ناگزیر از پذیرش او هستند و سوم آنکه آنکه رهبر هرچند منصوب خداوند و مشروعیت خود را وامدار او است، آنچه در عمل به فرد جامعه رهبری می‌پوشاند، مقبولیت او نزد مردم است. آیت‌الله جوادی آملی از پیروان رویکرد سوم است. ایشان در توضیح این منظر می‌فرماید:

«خصوصیات عقلی و نقلی که برای ولی فقیه ذکر شده است، نه تنها شاهد بر انتصاب ولی فقیه است، بلکه نشانه انعزال او نیز می‌باشد. توضیح آنکه در اسلام شخص فقیه عادل نیست که حاکمیت دارد، بلکه فقه و عدالت است که حکومت می‌کند. از این رو ولی فقیه همان‌گونه که حق ندارد به تبعیت از آرای مردم عمل نماید، نمی‌تواند به رأی و نظر خود از حدود و وظایفی که برای او مقرر شده است تجاوز نماید» (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۸۸).

عدم امکان تخلف از قواعد اسلامی در آرمان‌شهر مدنظر آیت‌الله جوادی آملی، به این علت است که اسلام در نظر ایشان، قید جمهوری است و نباید نادیده گرفته شود. به‌طورکلی از نگاه

وی، جمهور به منزله جنس و عنوان اسلامی به مثابه فصل است که در مجموع نوع حکومت را تعیین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۸۸).

نکته مهم دیگر جایگاه افراد غیرمسلمان در آرمان شهر اسلامی است. هرچند در آرمان شهر اسلامی سرپرستی پست‌های کلیدی به وفاداران مکتب اسلام و معتقدان به مبانی آن واگذار می‌شود، اما از نگاه آیت‌الله جوادی آملی:

«از همه نظرات مستدل و برهانی و از همه تجارب کارآمد بشری استفاده خواهد شد؛ هرچند استدلال‌کننده یا تجربه‌آموخته، معتقد به اسلام نباشد؛ زیرا بین قول و قائل فرق است و آنچه در مسائل علمی مطرح است، خود نظر است و نه صاحب‌نظر» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

آنچه گفته شد، درباره رهبر آرمان شهر به‌عنوان مهم‌ترین فرد در مدیریت جامعه بود، اما از آرای آیت‌الله جوادی چنین برمی‌آید که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، بازنمود عنصر مقبولیت و رکن اساسی در موجه‌بودن تصمیمات است. از این مقدمه می‌توان به نتیجه «حق مردم در مشارکت» رسید. مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری به‌ویژه در مرحله تصمیم‌گیری، منوط به رعایت شفافیت توسط مسئولان است. در صورتی که مسئولان اصل شفافیت را رعایت کنند و زمینه را برای بروز نظرات فراهم آورند، مشارکت نه تنها حق مردم، بلکه تکلیف ایشان نیز خواهد بود. موارد زیر به‌عنوان راه‌های مشارکت و توجه به ذهنیت شهروندان پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت حیات جمعی و گردهمایی‌های اجتماعی: این امر در گذشته در بازارها و مساجد به خوبی رعایت می‌شد؛
۲. تشکیل نهادهای مدنی نیرومند در جهت تقویت امر آموزش و گفتمان شهروندی؛
۳. احیای وجدان شهروندی با مراجعه به آرای شهروندان؛
۴. رعایت انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، تنوع و ارائه گزینه‌های متعدد.

۱-۲-۱-۲. ویژگی‌های مدیر آرمان شهر

مطابق با آیات ۵ سوره قصص و ۵۵ سوره مبارکه نور، خدای سبحان به مؤمنان وعده داده است قدرت اجرای دینی را که خود می‌پسندد به آنان عطا کند و هراس آنان را به امنیت بدل گرداند. البته این به آن معنا نیست که هیچ‌گزندی مدیریت اسلامی آرمان شهر را تهدید نخواهد کرد. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی: «اینکه فرمود، حاکمان الهی هراس ندارند، به این معنا نیست که کشته

و شهید نمی‌دهند، بلکه به این معناست که در وجود آن‌ها چیزی که ایجاد رعب کند و مانع اجرای حدود الهی شود راه ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۴۹).

طبیعی است اگر در پندار حاکمان جامعه‌ای امور دینی مطرح نباشد، حتی اگر آن جامعه به مترقی‌ترین شکل خود در ساختار و اخلاق برسد، باز هم در هدف با جامعه دینی مغایر است. حقوق موجود در جهان تنها به حق‌الناس محدود نیست و در فلسفه اسلامی خداوند نیز حقی بر بندگان دارد که اصطلاحاً «حق‌الله» نامیده می‌شود. در جامعه غیردینی حتی اگر همه حقوق مربوط به هم‌کیشان رعایت شود، حق‌الله نادیده گرفته شده است. از همین‌رو جامعه مذکور از نظرگاه دینی، جامعه‌ای مطلوب قلمداد نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

۱-۲-۲. قوانین آرمان‌شهر

منشأ حق و منبع قانون‌گذاری را می‌توان عقل صرف یا بنای عقلا دانست؛ امری که در فلسفه سیاسی غرب پذیرفته شده است. در مقابل، در فلسفه دینی، در قانون‌گذاری حتماً باید دستورات و احکام الهی رعایت و از آن‌ها اطاعت شود. در ادامه سعی خواهد شد تا به‌صورت جداگانه چالش تعیین منبع حق و چالش دیگر، یعنی مطابقت یا عدم مغایرت قانون با شرع بررسی شود.

۱-۲-۲-۱. منبع حق در قانون‌گذاری

پیش از این، تفاوت رویکرد دینی و غیردینی درباره منبع حق را به اجمال بررسی کردیم. آیت‌الله جوادی آملی در تحلیل رویکرد غربی در مورد منشأ و منبع حق در قانون‌گذاری می‌فرماید:

«برخی از منکران وحی و نبوت معتقدند که عقل بشر برای هدایت و سعادت او کافی است و نیازی به وحی نیست... امروزه برخی از پیروان مکاتب جدید در غرب، همین اندیشه را تبلیغ و ترویج می‌کنند و کامل‌ترین نظام حقوقی را که متضمن سعادت و هدایت انسانی است، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» می‌دانند (در نظر آن‌ها) رهاورد انبیا اگر موافق با عقل باشد، صاحبان عقل از آن بی‌نیاز بوده... و اگر مخالف عقل باشد، پذیرش آن سودمند نبوده و نافع نخواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

از نظر آیت‌الله جوادی آملی درک عمیق عقل اگرچه می‌تواند منشأ معرفت حقوق به‌شمار آید، صلاحیت کامل در این زمینه را ندارد؛ زیرا قلمرو ادراک عقل در برابر وحی محدود است

(جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). سه عنصر جهل، سهو و ناتوانی سبب می‌شود که انسان نتواند در مقام قانون‌گذار، قوانین جامع و مانعی را وضع کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). در برابر این گزاره‌ها، علم الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۶)، مالکیت مطلق خداوند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۴۱) و درنهایت ولایت او بر همه مخلوقات^۱ سبب می‌شود تا دستورات خداوند جامع همه نیازها و مانع هوس‌های اشخاص باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۳۸). به این ترتیب، در آرمان‌شهر مدنظر آیت‌الله جوادی آملی، قوانین باید منطبق با احکام اسلامی باشد. پرسشی که در اینجا قابل طرح است این است که آیا قوانین باید منطبق بر موازین و احکام اسلامی باشد یا مغایرت‌نداشتن آن‌ها برای تشریح کافی است.

۱. ۲. ۲. ۲. مطابقت یا عدم مغایرت قوانین با شرع

اصل چهارم قانون اساسی به‌عنوان یکی از اصول لایتغیر (به استناد اصل ۱۷۷) مقرر می‌دارد که کلیه قوانین باید براساس موازین اسلامی باشد. باین حال در صدر اصل ۹۱ و در توضیح وظایف شواری نخبان می‌خوانیم: «به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات...». مطابق اصل ۹۱ کافی است تا قوانین مغایرتی با شرع نداشته باشند. سابقه این چالش به عصر مشروطه بازمی‌گردد. برخی از فقهای آن دوره معتقد بودند حلال خدا را نمی‌توان حرام یا برعکس کرد. از این‌رو مجلس، قانون‌گذاری بلااستفاده است. در برابر این دیدگاه، نظرات علامه نائینی قرار دارد. از نظر او هرچند مجلس نمی‌توانست احکام الهی را تغییر دهد، به استناد ضرورت و مصلحت می‌توانست در موضوعاتی که شرع ساکت بوده (به تعبیر علامه منطقه الفراغ)، قانون وضع کند (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). بنا به اعتقاد علامه نائینی، در صحت و مشروعیت قوانین متغیر «جز عدم مخالفت با قوانین شرعی، شرط دیگری معتبر نخواهد بود» (نائینی، ۱۳۸۲: ۴۵).

آیت‌الله جوادی آملی با ادله‌ای که می‌توان آن را ادامه نظرات علامه نائینی دانست، قوانین را به دو بخش تشریحی و اجرایی تقسیم‌بندی کرده‌اند. از نگاه ایشان، قوانین تشریحی همواره از منابع موجود، قابل استنباط هستند و اجتهاد مستمر برای استنباط این قوانین، وظیفه فقهای زمان

۱. فآله هو الولی (آیه ۹ سوره شوری)

است (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۲۲). در مقابل قوانین تشریحی، قوانین اجرایی قرار دارد که ناظر بر مسائل دیگری از قبیل نحوه اداره کشور، چگونگی رسیدگی به امور مردم، حل مشکلات و رسیدگی به خواسته‌های آنها است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۱۱). قوانین تشریحی را می‌توان امرالله و مقررات اجرایی را امرالناس دانست. در بحث امرالناس، در صورت سکوت متون دینی باید به آرای مردم مراجعه کرد و تا آنجا که مغایرتی با شرع نداشته باشد، باید نظر مردم را محترم شمرد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۳۲-۴۳۴). بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین مربوط به شهرسازی از آن‌رو که در منصوص شرع نیامده، کافی است تا مغایر با شرع نباشد و وضع مقررات مربوط به آن در زمره مقررات اجرایی و منطقه الفراغ شرعی قرار دارد.^۱ این نتیجه می‌تواند پاسخ کسانی باشد که معتقدند نمی‌توان همه احکام و قوانین را از شرع استخراج کرد و نگاه فقهی به مسائل نوظهور (مستحدثه)، موجب عقب‌ماندگی جامعه از آن امر خواهد شد، اما همان‌طور که گفته شد حتی فقهای بنام امامیه، ادعای استخراج همه احکام از شرع را ندارند و قوانینی نظیر قوانین شهرسازی که برگرفته از تجربه و عقل بشری است، کافی است با قواعد شرعی مغایرت نداشته باشد.

۲. مبنا و تأثیر آن بر آرمان‌شهر

همان‌طور که پیش از این گفته شد، دستیابی به مبنای آرمان‌شهر، رسیدن به پاسخ این پرسش است که «لزوم تشکیل آرمان‌شهر چیست و انسان از چه رو مستحق زیستن در شهر آرمانی است». در ادامه به بررسی مبنای آرمان‌شهر از نگاه آیت‌الله جوادی آملی و تأثیر آن بر چگونگی مدیریت آرمان‌شهر می‌پردازیم.

۲. ۱. کرامت، مبنای آرمان‌شهر

در نگاه برخی فلاسفه غرب، آنچه سبب تمایز انسان از سایر موجودات می‌شود، فطرت اوست، اما همین امر نیز فرع بر پرسش پیشین است: چرا فطرت انسان از سایر موجودات متمایز است؟ در نگاه دینی پاسخ به این پرسش ساده‌تر است. منشأ تمایز و برتری انسان نسبت به سایر

۱. مانند «قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران»

موجودات در قرآن، کرامت او عنوان شده است. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید:

«خدای کریم به انسان هم کرامت داده است و هم فضیلت. کرامت ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه اوست و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی‌شود؛ برخلاف تفضیل که مقایسه با غیر، رکن آن است. ذات اقدس الهی، افزون بر تکریم انسان، وی را بر بسیاری موجودات برتری داده است...» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

به کرامت البته در بسیاری از متون غربی نیز اشاره شده است؛ برای مثال، در ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «تمام نوع بشر آزاد زاده شده و در کرامت و حقوق یکسان هستند». با وجود این، در این نگاه، هیچ تلقی ماوراءالطبیعی از کرامت ارائه نشده است و به همین دلیل در سال ۱۹۹۰ کشورهای اسلامی در قاهره، معنای کرامت را ضمن بند نخست ماده ۱ اعلامیه «حقوق بشر در اسلام»، به خداوند و نحوه آفرینش انسان گره زده‌اند. بدیهی است بدون لحاظ خداوند در آفرینش بشر، دلیلی برای کرامت ذاتی و فضیلت او نسبت به سایر موجودات وجود ندارد. در بیان آیت‌الله جوادی آملی:

«خدای سبحان انسان را به‌عنوان نوع کریم یاد کرده است. همچنین بعد از بیان آفرینش و افاضه روح الهی به او چنین فرمود: فتبارک‌الله احسن‌الخالقین و این آفرین گفتن، فقط به جهت افاضه روح الهی است؛ وگرنه در سایه شئون یادشده حیوان‌های دیگر با انسان از لحاظ تطور نطفه و علقه و مضغه و جنین و مانند آن شریک‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۸).

براساس بررسی آرای فلاسفه، مبانی نظری کرامت عبارت‌اند از: علاوه بر ۱. اراده خداوند ۲. فطری‌گرایی (کاپلستون، ۱۳۸۹: ۵۷/۴-۶۹)؛ ۳. خودمختاری اخلاقی کانت^۱ (Schroeder & Bani-Sadr, 2017: 20)؛ ۴. اراده قدرت (نیچه، ۱۳۸۴: ۹۷). در نگاه فطری‌گراها هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی غیرقابل‌سلب است (مطهری، ۱۴۲۰ ق: ۱۵۸/۱۹)، اما از نگاه

۱. از نگاه کانت: نوع بشر به‌عنوان یک شخص که موضوع منطق عملی اخلاق است، به هر قیمتی به‌دلیل انسان‌بودن، والاتر است. انسان به‌عنوان وسیله رسیدن به اهداف دیگران یا حتی خود، ارزش‌گذاری نمی‌شود، بلکه یک غایت است که دارای ارزش ذاتی (Absolute Inner Worth) است که او را در برابر تمامی موجودات جهان ارزشمند می‌سازد (Kant, 1996: 6/434).

فلاسفهٔ مسلمان، این خداوند است که کرامت را در فطرت بشر نهادینه کرده و از این منظر با فطری‌گرایان که اساساً به آفرینندهٔ فطرت بی‌توجه‌اند، متفاوت هستند^۱. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه نوشته‌اند:

«... گرچه انسان مختار و آزاد است راه خیر را طی نماید یا راه شر را انتخاب کند، ولی خدای متعال سرمایهٔ تعیین‌کننده‌ای را که همان فطرت حق‌جویی و حق‌طلبی است، به او عطا کرده است. هم از نظر بینش او را مسلح کرد و هم از نظر گرایش و اخلاق» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۳۲).

این ارزش درونی سبب می‌شود تا انسان موجودی آگاه و مختار قلمداد شود. از نگاه حقوقدانان نیز آنچه سبب می‌شود تا انسان، موجودی ذی‌حق محسوب شود نیز همین کرامت اوست (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۷۶/۱). پذیرش کرامت به‌عنوان مبنای تأسیس آرمان‌شهر ما را متوجه اصولی می‌کند که می‌توان آن‌ها را اصول برآمده از کرامت برای تأسیس شهر آرمانی نام برد. تأکید بر این نکته لازم است که اصول گفته‌شده توسط آیت‌الله جوادی آملی به‌طور مستقیم دربارهٔ آرمان‌شهر اسلامی بیان نشده و ارائهٔ آن‌ها همان‌طور که در ادامهٔ متن خواهد آمد، برگرفته از آرا و آثار ایشان است.

۲-۱-۱. اصل یگانگی جوامع

همان‌طور که گفته شد، آنچه موجب کرامت انسان می‌شود، اتصال وی در منشأ به خداوند متعال است. به همین دلیل و با توجه به آنکه خداوند در مرحلهٔ آفرینش، تبعیضی بین انسان‌ها قائل نشده است، از اصل فوق می‌توان اصول دیگری استنتاج کرد از جمله: ۱. اصل لزوم وجود شرایط ترقی برای همگان؛ ۲. برابری افراد؛ ۳. اصل لزوم وجود عدالت بین افراد. برخی از فلاسفهٔ مسلمان از اصل یگانگی جوامع به اصل پیوند تکوینی انسان با مجموعهٔ هستی رسیده‌اند. مطابق با این اصل، پلیدی محیط، درون انسان را تیره می‌کند و تیرگی درون انسان بر وضعیت محیط بیرون مؤثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). پذیرش این امر سبب می‌شود تا بیشتر به نقش شهرسازی به‌مثابهٔ محیط زندگی بر روان افراد توجه کنیم.

۱. شایان ذکر است که برخی از فلاسفهٔ اسلامی، از کرامت اکتسابی در کنار کرامت ذاتی نام می‌برند و حتی ارزش غایی انسان را با توجه به کرامت اکتسابی او می‌سنجند (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹). به همین دلیل باید توجه داشت که استناد به کلام آیت‌الله جوادی آملی نیز نفی‌کنندهٔ وجود کرامت اکتسابی نیست؛ چرا که اثبات شیء، لزوماً نفی‌کنندهٔ ماعدا نخواهد بود.

۲-۱-۲. اصل مسئول بودن حاکمان در برابر شهروندان

مطابق با اصل پیشین، همهٔ ابنای بشر با یکدیگر برابرند. مطابق با اصل ۵۶ قانون اساسی حاکم حقیقی خداوند است و بعد از او ملت به جهت برابری با هم، حاکم سرنوشت خویش قلمداد می‌شوند. مقبولیت حکمران در همهٔ نظام‌های سیاسی، جز در مورد معصوم، مبتنی بر ارادهٔ مردم است و هیچ رهبری بدون مقبولیت نزد شهروندان حق حکمرانی نخواهد داشت. مسئولان به جهت کرامت شهروندان باید حقوق آن‌ها را رعایت کنند. آیت‌الله جوادی آملی بخشی از وظایف حکومت در قبال مردم را در درس تفسیر خود در مسجد اعظم قم چنین برشمرده‌اند:

«مسئولان باید امکانات شهر را ببینند، اصول مدیریتی و نیاز مردم را در نظر بگیرند و مردم را کریمانه اداره کنند، نه فقیرانه! جامعه را با کمیتهٔ امداد اداره کردن کریمانه نیست...! تنها بنا بر این نیست که شکم مردم پر شود، بلکه بنا بر این است که آبروی مردم محفوظ باشد... . قرآن به مسئولان تأکید می‌کند بکوشید درآمد و نیاز کشورتان و همچنین حقوق مردم را ارزیابی کنید تا خدای ناکرده حق مردم ضایع نشود» (جوادی آملی، درس تفسیر قرآن، ۱۰/۱۰/۹۸)^۱.

۲-۱-۳. اصل حق و وظیفه بودن آزادی

کرامت انسان و آزادی او امری سلب‌نشده است. به این معنی که آزادی انسان برای او صرفاً امتیاز نیست و در بسیاری موارد این آزادی موجب مسئولیت او در برابر سایر افراد است. آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به آزادی به عنوان مفهوم متمایزکنندهٔ انسان از سایر حیوانات بیان می‌دارند:

«در فرهنگ دین، قلمرو آزادی تا مرز تحصیل عزت انسانی و کمالات معنوی برای دنیا و آخرت است و آزادی به معنای تصمیم‌گیری خواسته‌های عقلانی است، نه هرگونه اختیار و اعمال اراده در راستای خواهش‌های نفسانی» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۵۴).

این بیان نشان می‌دهد انسان باید تصمیم بگیرد و انتخاب‌های عقلانی کند. وظیفه‌انگاشتن آزادی می‌تواند در نظرات شهرسازی، به‌خصوص در مباحثی که مربوط به مشارکت‌های عمومی افراد است، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. این اصل را می‌توان اصل مسئولیت همهٔ اهالی شهر نسبت به یکدیگر دانست که برخی محققان شهرسازی بر آن تأکید کرده‌اند (شکوهی بیدهندی و مطهر، ۱۳۹۹: ۷۰).

1. <https://www.irna.ir/news>

۲-۱-۴. اصل ذی‌حق دانستن شهروندان

در قوانین و راهبردهای بسیاری از کشورها، حقوق اولیه مبتنی بر کرامت است. در این قسمت به‌عنوان آخرین اصل، به مهم‌ترین آن‌ها یعنی ذی‌حق بودن شهروندان اشاره می‌کنیم. در واقع بسیاری از اصول فوق بیان دیگری از همین اصل است. برخی اصول فوق را می‌توان در قالب حق شهروندان بر مسئولان یا حق شهروندان در برابر یکدیگر بیان کرد. آیت‌الله جوادی آملی نیز ذی‌حق بودن افراد را امری می‌داند که تردیدی در آن راه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۰). از همین رو به جهت رعایت اختصار، پرداخت به مصادیق این اصل را به بخش بعدی وامی‌گذاریم، اما پیش از آن باید این نکته را متذکر شد که تمسک به کرامت در کشور ایران و حقوق آن، راه مشخصی دارد و آن‌هم پیروی از کتاب و سنت پیامبر و اهل بیت او است. در نگاه فقها، آنچه موجب غفلت از کرامت است، دنیاطلبی انسان و طغیان او در برابر دستورات خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۵-۲۹). از این رو حتی در عرصه شهرسازی باید امیدوار بود که مجتهدان بتوانند بدون اعمال نظر شخصی، دستورات الهی را استنباط کنند.

۲-۲. تأثیر مبنا بر آرمان‌شهر

بسیاری از امور که در بدو امر ممکن است به‌عنوان مبنا قلمداد شوند، در واقع آثار برگرفته از مبنا هستند؛ برای مثال، برابری و عدالت را نمی‌توان مبنای آرمان‌شهر دانست، بلکه این دو مفهوم، برآمده از پذیرش کرامت به‌عنوان مبنا هستند. در ادامه اصولی را که در شهرسازی برآمده از مفهوم کرامت است و می‌توان در آرمان‌شهر دینی از آن‌ها استفاده کرد، در دو عنوان بررسی می‌شود:

۲.۲.۱. اصل ذی‌حق بودن شهروندان

همان‌طور که گفته شد کرامت انسان مبنای ذی‌حقی او است. یکی از مهم‌ترین حقوق افراد در جامعه شهری، حق بر شهر است. برخی از منتقدان ایراد کرده‌اند که دین اساساً مقوله‌ای تکلیف‌محور است؛ چرا که در نگاه نخست، همه راه‌های ارائه‌شده برای سعادت و رستگاری از جنس حکم است. آیت‌الله جوادی آملی با انتقاد از این نظر، اشکال را به قائل قول برمی‌گرداند و می‌فرماید:

«نگاه به دین و تکالیف دینی باید نگاهی هدف‌دار و غایتمند باشد؛ همان‌گونه که انسان از نگاه دینی موجودی غایتمند است. اگر با نگاهی هدف‌دار به دین نگریسته شود، هیچ‌چیز جز حق محض از آن فهمیده نمی‌شود و با این دیدگاه است که همه تکالیف به حقوق برمی‌گردند» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۱).

از نظر نگارندگان، اصل ذی‌حق‌دانستن شهروندان را می‌توان به حقوق زیر تجزیه کرد: ۱. حق بر حکمروایی خوب؛ ۲. حق بر پاسخگویی؛ ۳. حق بر مشارکت؛ ۴. حق بر عدم تبعیض. همه حقوق گفته‌شده بر مبنای کرامت برای انسان قابل‌تصور است؛ در غیر این صورت ممکن است قدرت، عامل تعیین‌کننده کیفیت این حقوق‌ها باشد.

۲-۲-۲. حق بر فراگیری شهر و شهر انسان‌مدار

حق بر فراگیری شهر، حقی برآمده از کرامت است که بر شهرسازی فراگیر تأکید دارد. به عقیده برخی محققان «شهرسازی فراگیر آن نوع شهرسازی است که در آن نیازهای همه شهروندان در نظر گرفته می‌شود. به جای آنکه معیارمان فقط افراد متوسط باشند، باید به فکر کسانی هم باشیم که دارای تحرک و توانایی دسترسی کمتری هستند» (مدنی‌پور، ۱۳۸۵: ۲). به این ترتیب، در شهرسازی فراگیر باید علاوه بر معیارهای نوعی، معیارهای شخصی^۱ را نیز در نظر گرفت. در نظر گرفتن معیارهای شخصی، یعنی تکریم همه افراد جامعه با در نظر گرفتن همه محدودیت‌های ایشان. ایده شهر فراگیر^۲، مستلزم طراحی برای همگان است. این نوع طراحی به مقوله کیفیت حمل‌ونقل، فضاها و ساختمان‌ها از نظر دسترسی، عدالت، برابری و تنوع برای استفاده همه شهروندان در محیط انسان‌ساخت برمی‌گردد (معینی، ۱۳۹۵: ۳۷). نکته جالب توجه این است که در آثار آیت‌الله جوادی آملی و در مقام برشمردن حقوق شهروندان، به اقسام پانزده‌گانه‌ای برمی‌خوریم که نشان از جامعیت دیدگاه ایشان درباره فراگیری شهر است. پانزده عنوان مذکور چنین است: ۱. همسایگان، ۲. دانشمندان، ۳. همکاران، ۴. بیماران، ۵. مردگان، ۶. مصیبت‌دیدگان، ۷. میهمانان، ۸. مجاهدان، ۹. کودکان، ۱۰. جوانان، ۱۱. سالمندان، ۱۲. یتیمان، ۱۳. فقیران، ۱۴. مددجویان، ۱۵. مسافران (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۴). توجه به حقوق

1. Objective and Subjective Norm

2. Inclusive city

اندیشمندان یا حتی مردگان، نشان از گستره گسترده حق در نگاه آیت‌الله جوادی آملی برای شهروندان دارد.

از نظر نگارندگان، انسان‌مداری شهر، در برابر توجه غالب به خودرو و طراحی شهر، بر مبنای اقتضائات عصر ماشین، مستوجب طرح برخی اوصاف و تلاش برای دستیابی به آن‌ها به‌عنوان اوصاف شهر انسان‌مدار است. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین اوصاف شهر انسان‌مدار را باید چنین برشمرد: ۱. سرزنده‌بودن شهر^۱، ۲. ایمن‌بودن شهر؛ ۳. شهر پایدار؛ ۴. شهر سالم.

۳. هدف ایجاد آرمان‌شهر

منابع و مبنای گفته‌شده در تشکیل آرمان‌شهر به‌دنبال هدفی هستند. هدف مدنظر، دستیابی به خود آرمان‌شهر نیست، بلکه آرمان‌شهر نیز وسیله‌ای برای رسیدن به آن تلقی می‌شود. در فلسفه و دیدگاه غیردینی بدون تردید، تأسیس و ایجاد آرمان‌شهر موضوعیت دارد، اما تشکیل آرمان‌شهر در نگاه دینی طریقت دارد و تنها به فضیلت‌های این جهانی ختم نمی‌شود. آیت‌الله جوادی عاملی عدالت را که یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های بشری است، در زمره اهداف میانی آرمان‌شهر می‌داند و معتقدند عدالت وسیله است و هدف اصلی و نهایی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۶/۲). در آرمان‌شهر دینی همه چیز باید در خدمت هدف متعالی باشد؛ برای مثال، در آرمان‌شهر آیت‌الله:

«استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند روا است، اما بهره‌برداری از آن در امور تخریبی و تهاجمی و... هرگز روا نیست. با این مسئله می‌توان تفاوت میان کار صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کار صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب مدعی تمدن بررسی نمود» (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۱۱۱/۱۰).

در برخی از آثار، ایشان صراحتاً هدف از تأسیس حکومت اسلامی را ایجاد مدینه فاضله دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۱۲۰/۱۰). اما پرسشی که در اینجا باید در پی پاسخ به آن بود، چیستی هدف تشکیل آرمان‌شهر است. از نگاه آیت‌الله جوادی، هدف تشکیل آرمان‌شهر، رسیدن انسان به جایگاه اصلی خود، یعنی خلیفه خداوند در زمین بودن است. ایشان این هدف را برآیند

آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره می‌دانند. آیت‌الله جوادی آملی با تشبیه مدینه فاضله به بدن و در راستای عقیده به مدینه فاضله بودن انسان می‌فرماید:

«همان‌گونه که نظام داخلی انسان، را روح و جسم او می‌سازد، ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح می‌باشد... تأمین مدینه فاضله نیز برای پرورش انسان‌هایی است که در جهت خلیفه‌الله‌گشتن گام برمی‌دارند و اصالت در بین دو رکن یادشده، همانا از آن خلافت الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۱۳/۸).

ایشان در آثار دیگر خود نیز هدف از تشکیل مدینه فاضله را خلیفه‌خداشدن انسان دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷۶/۲). از نگاه آیت‌الله جوادی آملی: «ظرفیت آدمی خلافت الهی است و محتوای این ظرف، حدود و احکام الهی و اقامه شریعت آسمانی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۸۵). پرسش نهایی که در این بخش باید به آن پاسخ داد این است که به چه دلیل خلیفه‌خداوندشدن برای انسان اهمیت دارد. از نگاه آیت‌الله جوادی آملی، رسیدن به مقام خلیفه‌الله، رسیدن به جایگاه اصلی انسان است. ایشان اهمیت خلیفه‌خداوندشدن را چنین تشریح کرده‌اند:

«اگر کسی خلیفه‌الله شد، مالک بهشت می‌شود. اهل بهشت در موقع ورود به بهشت نمی‌گویند ما زحمت کشیدیم تا بهشتی شدیم، بلکه می‌گویند: (الحمد لله الذی صدقنا وعده). بهشت کسی نیست، بلکه ارثی است... اگر کسی خلیفه‌الله شد، مالک بهشت می‌شود» (جوادی آملی، درس تفسیر قرآن، ۹۳/۱۰/۲۵)^۱.

نتیجه‌گیری

در آرمان‌شهر آیت‌الله جوادی آملی، همه چیز معطوف به اراده‌خداوند و احکام الهی است. برای فهم نظر آیت‌الله درباره آرمان‌شهر دینی، باید سه امر منبع، مبنا و هدف آرمان‌شهر را از یکدیگر متمایز ساخت. با تفکیک این سه امر می‌توان به نتایجی دست پیدا کرد که نه تنها از نظر تئوری، بلکه دست‌یافتن به آن‌ها از نظر عملی نیز حائز اهمیت بسیار است. نتایج گفته‌شده را می‌توان به‌طور خلاصه به این شرح بیان کرد:

1. <https://www.khabaronline.ir/news/395344>

۱. منابع آرمان‌شهر دینی، کتاب، سنت و عقل است و اصول آرمان‌شهر باید از این منابع استخراج شود. هر سه منبع گفته‌شده در عرض یکدیگر هستند و حتی امکان تعارض بین آنها نیز وجود دارد. با وجود این، هر سه منبع روی هم رفته دین را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل امکان تعارض هر یک از آنها با دین منتفی است.
۲. آنچه موجب تمایز آرمان‌شهر دینی از غیردینی می‌شود، منابعی است که اندیشمندان با مراجعه به آنها، اصول و ویژگی‌های آرمان‌شهر را استنباط می‌کنند.
۳. مسائل مربوط به شهرسازی به‌طور مبسوط در دین مبین بررسی نشده است، اما این به آن معنی نیست که نمی‌توان شهرسازی دینی داشت. بررسی اصول ۴ و ۹۱ قانون اساسی نشان می‌دهد که نیازی نیست مقرراتی مانند مقررات مربوط به شهرسازی دقیقاً منطبق بر اسلام باشد و عدم مغایرت آنها با اصول دینی کافی است.
۴. مبنای استحقاق انسان برای زیستن در یک شهر مطلوب، کرامت اوست. از نظرگاه دینی، انسان از آن‌رو استحقاق زیستن در شهر آرمانی را دارد که خداوند در وی از روح خود دمیده و او را کریم خوانده است. در مقابل، در اندیشه غیردینی، منشأ کرامت، فطرت انسان است و طبیعی است که این رویکرد از پاسخ به این پرسش که چرا فطرت انسان، منشأ کرامت است و چگونه دارای این کرامت شده است، درمی‌ماند.
۵. کرامت خدادادی انسان، مبنای چند اصل مهم برای زندگی او تلقی می‌شود. مهم‌ترین این اصول، اصل ذی‌حقی شهروندان و حق آنها بر فراگیری شهر و انسان‌مداری آن است. حقوقی از قبیل حق بر آزادی، مشارکت، آزادی یا عدالت نیز برآمده از همین اصول است.
۶. از تحلیل کتاب، سنت و عقل به این نتیجه دست می‌یابیم که انسان موجودی کریم و مستحق زیستن در شهری آرمانی است. اما پرسش نهایی آن است که آیا تشکیل آرمان‌شهر در اندیشه دینی موضوعیت دارد یا طریقت. از نگاه آیت‌الله جوادی آملی، تشکیل آرمان‌شهر، برای انسان تنها یک فرصت است تا شاید بتواند به مقام اصلی خود، یعنی خلیفه‌اللهی برسد. با رسیدن به این مقام، انسان مالک بهشت محسوب می‌شود.

منابع

- اراکی، محسن (۱۴۳۵ ق). *اصول فقه نوین*. جلد اول. چاپ دوم. قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.
- آزادانا، حسین (۱۳۹۱). *فرهنگ اسلامی شهروندی: فرهنگ اسلامی شهر و شهرسازی*. تهران: ابوالحسنی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۹۰). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. چاپ ششم. تهران: سمت.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). *ولایت فقیه: رهبری در اسلام*. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر فرهنگی مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۶۹). *کرامت در قرآن*. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۷۲). *انسان در اسلام*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۷۴). *تفسیر موضوعی قرآن*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۷۷). *شریعت در آئینه معرفت*. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۷۹). *ولایت فقیه؛ ولایت فقهت و عدالت*. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۰). *انتظار بشر از دین*. چاپ اول. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۱). *نسبت دین و دنیا*. چاپ دوم. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۴). *تفسیر انسان به انسان*. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۷). *امام مهدی موجود موعود*. چاپ اول. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۹). *فلسفه حقوق بشر*. چاپ ششم. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۹۰). *مفاتیح‌الحیاء*. چاپ چهل و یکم. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۹۱). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. چاپ ششم. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۹۲). *حق و تکلیف در اسلام*. چاپ ششم. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۹۸). *وحی و نبوت در قرآن*. چاپ پنجم. قم: اسراء.
- _____ (بی‌تا). *حکمت نظری و عملی در نهج‌البلاغه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سارتر، ژان پل (۱۳۹۷). *تعالی آگو*. چاپ سوم. تهران: ناهید.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۲). *علم و ایمان*. چاپ پنجم. تهران: مطهری.

- شکوهی بیدهندی، محمدصالح و مطهر، رضا (۱۳۹۹). ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرای امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری نوسازی شهری؛ مورد پژوهشی: راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع تهران. پژوهش‌های معماری اسلامی، سال هشتم، ۲۶، ۶۳-۸۱.
- عبدیانی، نرجس (۱۳۸۸). ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. *انتظار موعود*، سال نهم، ۳۰، ۶۳-۸۷.
- فارابی، ابونصر (۱۹۹۵). *آراء أهل المدينة الفاضلة و مضاداتها*. بیروت: دار ومکتبة الهلال للطباعة و النشر.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید (۱۳۹۲). *اصول فقه کاربردی*. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: سمت.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۹). *تاریخ فلسفه*. ترجمه اعوانی. چاپ سوم. تهران: سروش.
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق*. چاپ پنجم. تهران: سهامی انتشار.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۵). شهرسازی فراگیر. همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری، ۱-۱۶.
- مطلبی، مسعود و نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب. *مطالعات سیاسی*، سال دوم، ۶، ۱۲۵-۱۴۶.
- مطهری، مرتضی (۱۴۲۰ ق). *مجموعه آثار*. جلد نوزدهم. قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ ق). *اصول مظفر*. جلد سوم. چاپ پنجم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- معینی، مهدی (۱۳۹۵). *شهر همگان*. تهران: آذرخش.
- مور، توماس (۱۳۷۳). *یوتوپیا*. ترجمه داریوش آشوری و نادر افشارنادری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). *تنبیه الامة و تنزیه الملة*. قم: بوستان کتاب.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵). *معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)*. تهران: راهیان.
- نوزیک، رابرت (۱۳۹۶). *بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر*. ترجمه محسن رنجبر. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- نیچه، فردریش (۱۳۸۴). *تبارشناسی اخلاق*. ترجمه داریوش آشوری. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- نیچه، فردریش (۱۳۹۹). *اراده معطوف به قدرت*. ترجمه محمدباقر هوشیار. چاپ نهم. تهران: فرزانه روز.
- وودکاک، جرج (۱۳۹۶). *آنارشسیسم*. ترجمه هرمز عبداللهی. تهران: چشمه.
- هابز، توماس (۱۳۹۷). *لویاتان*. ترجمه حسین بشیریه. چاپ دوازدهم. تهران: نی.

- Fox, Sean, Goodfellow, Tom (2016), *Cities and Development*, 2nd ed, New York: Routledge.
- Kant, Immanuel (1996), *The metaphysics of morals*, Translator: M Gregor, 1st Ed, Cambridge: Cambridge University Press.
- Schroeder, Doris, Bani-Sadr, Abol-Hassan (2017), *Dignity in 21st Century; Middle East and West*, 1st Ed, Ebook: Springer.